

تفاوت «+ شناس» و «+ دان» در ساختن اسم علم‌ورز

علاءالدین طباطبایی (دانشیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

در این یادداشت کوتاه به کاربرد دو ستاک حال فعل‌های «شناختن» و «دانستن»، یعنی «شناس» و «دان»، در ساختن اسم علم‌ورز می‌پردازیم. مراد از علم‌ورز کسی است که در یک رشته علمی تخصص دارد، مانند «روانشناس» و «فیزیک‌دان».

در آغاز بحث ناچاریم یکی دو نکته را یادآوری کنیم. نخست اینکه «+ دان»، در مقام ستاک حال فعل «دانستن» را نباید با پسوند «- دان»، که اسم ظرف می‌سازد، خلط کنیم. به بیان دیگر، واژه‌هایی مانند گلدان و نمکدان و زباله‌دان به کلی از بحث ما خارج‌اند. دوم اینکه «+ دان» و «+ شناس» را نمی‌توانیم پسوند به شمار بیاوریم. به این دلیل ساده که وندها، بنا به تعریف، نمی‌توانند به‌تنهایی با وند دیگری ترکیب شوند، اما «+ شناس» و «+ دان» و به‌طورکلی همه ستاک‌های حال افعال را می‌توانیم با وندهای گوناگون ترکیب کنیم و واژه مشتق بسازیم، مانند: دانا، دانش، نادان، داننده، شناسنده، شناسه، شناسا.

بنابراین، «+ دان» و «+ شناس» را پسوند‌واره می‌نامیم و در همین جا قرارداد می‌کنیم که وند‌واره‌ها را به علامت «+» نشان می‌دهیم.

یادآوری: در فرهنگ‌ها یکی دو واژه مهجور ضبط شده است که در آنها ظاهراً دو وند

با هم ترکیب شده‌اند، مانند «همگر»، به معنی بافنده. چنین واژه‌هایی قاعده‌ای را که در بالا دربارهٔ وندها متذکر شدیم نقض نمی‌کنند و برای هر کدام تحلیل ویژه‌ای وجود دارد که از بحث ما خارج است.

تفاوت «+ شناس» و «+ دان»

این هر دو پسوندواره اسم علم‌ورز می‌سازند، چنان‌که در مثال‌های زیر می‌بینیم:
 + شناس: روان‌شناس، جامعه‌شناس، زبان‌شناس، زمین‌شناس، هواشناس، جمعیت‌شناس، بافت‌شناس، ...

+ دان: فیزیک‌دان، شیمی‌دان، حقوق‌دان، آماردان، نجوم‌دان، منطق‌دان، ریاضی‌دان.
 یادآوری: این دو پسوندواره در ترکیب با اسم صفت فاعلی هم می‌سازند، مانند: وظیفه‌شناس، آداب‌دان، نکته‌دان، که از بحث ما خارج‌اند.

تفاوت «+ شناس» و «+ دان»، در ساختن اسم علم‌ورز، در این است که اسمی که با «+ دان» ترکیب می‌شود، نام یک علم است؛ مثلاً فیزیک و شیمی و حقوق که در فیزیک‌دان و شیمی‌دان و حقوق‌دان به کار رفته‌اند، هر کدام نام یک علم‌اند. اما اسم‌هایی که با «+ شناس» ترکیب می‌شوند، موضوع شناخت و بررسی علم‌اند. مثلاً در «روان‌شناس»، «روان» نام یک علم نیست، بلکه موضوع شناخت است. به همین دلیل واژه‌هایی که در آنها با «+ شناس»، اسم علم‌ورز ساخته شده است، برای آنکه تبدیل به اسم علم شوند، باید پسوند «-ی» به آنها بیفزاییم: روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، زمین‌شناسی، جمعیت‌شناسی.

اما در واژه‌هایی که در آنها با «+ دان» اسم علم‌ورز ساخته‌ایم، برای ساختن اسم علم تنها باید «+ دان» را حذف کنیم. فیزیک‌دان ← فیزیک، حقوق‌دان ← حقوق، شیمی‌دان ← شیمی.

در پایان اشاره به دو نکته بی‌مناسبت نیست. نخست اینکه «+ شناس» در قیاس با «+ دان» پسوندوارهٔ زیاتری است و شمار اسم علم‌ورزهایی که با «+ شناس» و علم‌نام‌هایی که با «+ شناسی» ساخته شده‌اند بسیار زیاد است. در مجموع، می‌توان گفت علم‌نام‌هایی که در انگلیسی با -logy ساخته شده‌اند، در معادل فارسی آنها «+ شناسی» به کار رفته است:

sociology	جامعه‌شناسی
meteorology	هواشناسی
psychology	روان‌شناسی
astrology	اخترشناسی
insectology	حشره‌شناسی

اما «+ شناس» و «+ شناسی» تنها در برابر چنین واژه‌هایی معادل‌یابی نشده‌اند، بلکه در موارد دیگری هم از این دو پسوندواره بهره گرفته شده است:

linguistics	زبان‌شناسی
acoustics	صوت‌شناسی

شاید بتوان گفت پسوندواره «+ دان» غالباً در علومی به کار رفته است که قدمت بیشتری دارند.

دوم اینکه «شناختن» و «دانستن» هر دو در زمره فعل‌های ذهنی هستند. فعلِ ذهنی را در تقابل با فعل عینی به کار می‌بریم.

برای مثال، نوشتن و دویدن و طناب‌بازی کردن فعل عینی هستند و ترسیدن و فریفتن و تهدید کردن، فعل ذهنی. اما «شناختن» و «دانستن» یک تفاوت اساسی دارند: «شناختن» فعلی تداومی است و «دانستن» ناتداومی است. از همین رو، از دو جمله زیر، جمله دوم نادرستی است:

ما کم‌کم داریم جامعه ایران را می‌شناسیم.

* ما کم‌کم داریم جامعه ایران را می‌دانیم.

به همین دلیل است که نمی‌توانیم با افزودن پسوند «-ی» به اسم علم‌ورز ساخته شده با «+ دان»، علم‌نام بسازیم. برای مثال، «منطق‌دانی» و «فیزیک‌دانی» به یک وضعیت یا حالت اشاره دارند، اما «جمعیت‌شناسی» و «بافت‌شناسی» به یک عمل.